



کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

کوروش بزرگ در شاهنامه

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۹ اسفند ۱۳۹۱ | ۱۱ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

همانطور که فریدون در افسانه های ایرانی جایگاه ویژه و غیر قابل انکار دارد، کوروش هم در تاریخ ایران جایگاه ویژه و غیر قابل انکاری دارد. آشکار ترین شباهتی که می توان بین کوروش و فریدون پیدا کرد مقابله آنها با شخص های تقریباً هم نام است. فریدون با آژی دهاک (معرب: ضحاک) و کوروش با آستیاک، مقابله می کند. همانطور که می بینید آژی دهاک و آستیاک شباهت زیادی با هم دارند و حتی عده ای آژی دهاک را آژدهاک خوانده اند که شباهتش با آستیاک بیشتر می شود. تصویری از آژدهاک (ضحاک) با توجه به افسانه های ایرانی اما شباهت

پارسیان دژ / کوروش بزرگ (کوروش شناسی)

همانطور که **فریدون** در افسانه های ایرانی جایگاه ویژه و غیر قابل انکار دارد، کوروش هم در تاریخ ایران جایگاه ویژه و غیر قابل انکاری دارد.

آشکار ترین شباهتی که می توان بین کوروش و فریدون پیدا کرد مقابله آنها با شخص های تقریباً هم نام است. فریدون با آژی دهاک (معرّب: ضحاک) و کوروش با آستیاک، مقابله می کند. همانطور که می بینید آژی دهاک و آستیاک شباهت زیادی با هم دارند و حتی عده ای آژی دهاک را آژدهاک خوانده اند که شباهتش با آستیاک بیشتر می شود.



تصویری از آژدهاک (ضحاک) با توجه به افسانه های ایرانی

اما شباهت به اینجا ختم نمیشود. شباهت های دیگری هم بین این دو از جمله در داستان ها دیده می شود.

...

شباهت داستان کودکی فریدون با کوروش



داستان کودکی فریدون در شاهنامه شباهت عجیبی با داستانی است که هرودوت از زمان کودکی کوروش می گوید.

در شاهنامه فردوسی اینچنین گفته می شود:

چون روزگاری دراز از پادشاهی غاصبانه و جفاکارانه ی ضحاک (آژدهاک) بگذشت، فریدون از مادر زاده شد. در این هنگام ضحاک در خواب دید که مردی فریدون نام بر او شوریده بخواری و ذلت به بندش خواهد کشید. بهمین جهت خورد و خواب بر وی حرام شد، و در صدد یافتن فریدون برآمد.

خلاصه عبدالعظیم رضایی از شاهنامه، تاریخ ده هزار ساله ایران

بنا به گفته تاریخ(تواریخ) هرودوت داستان کودکی کوروش اینچنین است:

آستیاک دختری به نام ماندانا داشت و شبی در خواب دید که از زهدان دخترش تاکی روییده و به سراسر آسیا سایه افکنده است. آستیاک قبل از این هم خواب دیده بود که پیشاب دخترش به سیلی تبدیل شده که پایتخت او و سپس سراسر آسیا را فرا گرفته است. پس از آنکه تعبیر خواب را از خواب گزاران پرسید قصد داشت نوزاد ماندانا که همان کوروش بود را از بین ببرد.

تاریخ (تواریخ) هرودوت، کتاب ۱، بندهای ۱۰۷ و ۱۰۸

همان طور که مشاهده می شود، پادشاه قبل از فریدون و کوروش تحت تأثیر خوابی که می بینند به فکر نابودی فریدون و کوروش می افتند. اما شباهت ها در اینجا به پایان نمی رسد هم فریدون و هم کوروش از نابود شدن نجات می یابند.

شباهت سپاکو و فرانک

بر اساس تواریخ هرودوت، بانویی به نام سپاکو(اسپاکو) کوروش را پرورش میدهد و بنا به گفته هرودوت سپاکو به معنای سگ است.

تاریخ (تواریخ) هرودوت، کتاب ۱، بند ۱۱۰

نام مادر فریدون در شاهنامه فرانک است. از نام فرانک هم معنایی شبیه سپاکو می توان برداشت کرد. فرانک به معنی سیاهگوش است و در فرهنگ کهن ایران گربه سانان بزرگ را نیز از سگسانان به شمار می آوردند.

تاریخ ما، جواد کهلان مفرد

بعید نیست که هرودوت با توجه به عدم آگاهی های لازم معنی سپاکو را درست درک نکرده باشد و در حقیقت سپاکو و فرانک، کاملاً به یک معنا داشته باشند.

قیام فریدون و قیام کوروش

شباهت بعدی که می توان شمرد قیام هر دوی این اشخاص علیه پادشاه پیشین است. فریدون با همراهی کاوه یک قیام به یادماندنی را علیه ضحاک(اژدهاک) در افسانه های ایرانی رقم می زند. از طرفی بر اساس گفته مورخان یونانی مانند هرودوت کوروش علیه آستیاگ به پا می خیزد.

این دو مقابله به نتیجه می رسد و باعث بهبود اوضاع می شود.

هماهنگی هایی در خارج از شاهنامه

می دانیم **فتح بابل** از مهم ترین اقدامات کوروش بوده است و جالب آنکه اگر دیگر منابع ایرانی را بررسی کنیم، ارتباط ضحاک(اژدهاک) را با شهر بابل می بینیم. فریدون بر ضحاک پیروز می شود و او را اسیر کرده و در کوه دماوند حبس نمود. هرچند ویژگی هایی که از مکان نخستین ضحاک در شاهنامه گفته می شود هم به وضعیت جغرافیایی بابل نزدیک است. اما در منابع دیگر واژه بابل مستقیماً اشاره می شود.

برای مثال صاحب مجمل التواریخ و القصص درباره ضحاک می گوید:

ضحاک، یعنی خدناک. و اژدهاک گفتند سبب آن علت که بر کتف بود، ... ابن ربکاوبن سادسره (کذا) ابن تاج بن فروال بن سیامک بن مشی بن کیومرث، و تاج جد او بود که عرب از نسل اوآند و بزمین بابل نشست ...

مجمع التواریخ، ص ۵۲ و ۲۶ ، به نقل از لغت نامه دهخدا

در فارسنامه ابن بلخی هم گفته می شود:

گویند ضحاک اصل آن اژدهاق [آژدهاک] است... و از بهر آن او را اژدهاق گفتندی که او جادو بود و به بابل پرورش یافته بود و جادویی به آموخته و روزی خویشتن را بر صورت اژدهائی بنمود.

فارسنامه ابن بلخی، ص ۳۴ و ۳۵، به نقل از لغت نامه دهخدا

با توجه به آثار باستانی یافته شده، فتح بابل به دست کوروش، از مهم ترین وقایع آن دوران است. استوانه کوروش که یکی از بی مانند ترین آثار باستانی از لحاظ محتوا در آن روزگار است، به فتح این شهر توسط کوروش و چگونگی رفتار آن با مردمان اشاره می کند. این درحالی است که بر اساس گفته گزنفون در کوروش نامه، فتح کوروش در ادامه اقدام پدافندی کوروش در برابر دشمنانی است که در ابتدا قصد حمله داشتند.

بنگريد به: کوروش نامه گزنفون، دفتر ۳، بخش ۳ - دفتر ۷، بخش ۵

می توان گفت وقتی کوروش در قالب فریدون جای گرفته است، تمام دشمنان آن در قالب ضحاک ترسیم شده اند و مهم ترین فتح کوروش که بابل بوده است هم با عنوان مکان ضحاک، در منابع ایرانی ثبت شده اند.



کوروش و کیخسرو

کیخسرو یکی از آرمانی ترین پادشاهان شاهنامه است همانطور که کوروش یکی از آرمانی ترین پادشاهان تاریخ بوده است. خردمندی کیخسرو یادآور خردمندی کوروش می باشد.

احتمال دارد کیخسرو دگرگون یافته نام کوروش باشد. همانطور که گفته شد به نظر می آید هسته اصلی نام کوروش واژه کورو باشد و یونانیان این نام را کورس خوانده اند. برخی از پژوهشگران هم معتقدند یونانیان نام هووخشتره پادشاه ماد را به صورت کوآخسارس (سیاکسار Cyaxares) که شبیه کیخسرو است آورده اند.

واژه «کوآخسارس»، از پیش گفتار ابوالحسن تهامی برای کوروش نامه گزنفون گرفته شده است.

اگر کیخسرو با نام سیاکسار(هوخشتره) هم مرتبط باشد؛ بی پیوند با کوروش نیست. زیرا بر اساس کوروش نامه گزنفون، سیاکسار دایی کوروش است و در طول کتاب، کوروش، یکی از سرداران سیاکسار می باشد و در برابر دشمنان ایستادگی می کند.. از این رو بعید نیست که در شاهنامه روایت های کوروش در قالب کیخسرو نمایان شده باشد.

حتی بعید نیست که نام کیخسرو از آمیخته شدن نام این دو شخصت یعنی کوروش و هووخشتره بوجود آمده باشد.

به هر حال روایت های کیخسرو با کوروش شباهت دارد و کیخسرو شخصیتی مانند کوروش در افسانه های ما دارد. در اینجا به صورت تیتروار اشاره ای به برخی از شباهت ها می کنیم و سپس توضیحات بیشتری درباره برخی از این شباهت ها می آوریم. هرچند شاید به دلیل در هم آمیختگی روایات، در جزئیات تفاوت هایی دیده شود اما کلیات، شباهت عجیبی به هم دارند.

- نام های کوروش و کیخسرو، شبیه یکدیگر هستند.

- خرد و دادگری کیخسرو با تدبیر و عدل کوروش(به ویژه در کوروش نامه گزنفون) قابل مقایسه است. آوازه کوروش هم به دلیل همین دانایی و دادگستریش است.

- داستان کودکی کیخسرو در شاهنامه شبیه داستان کودکی کوروش در گفته هرودوت است.

- مادر کوروش و کیخسرو از اقوام دیگر هستند، بر اساس شاهنامه فردوسی، مادر کیخسرو، فرنگیس دختر افراسیاب تورانی بوده و بر اساس کوروش نامه گزنفون و تاریخ هرودوت، مادر کوروش فرزند پادشاه ماد، یعنی ماندانا بوده است.

- هر دو پادشاه دور از سرزمین پدری، پیشرفت می کنند: کیخسرو در توران و کوروش در دیار ماد (نگاه کنید به: کوروش نامه گزنفون).

- هم کیخسرو و هم کوروش در برابر پدربزرگ مادریشان قرار می گیرند. آستیاک پدر بزرگ مادری کوروش، به نوه اش حمله می برد (نگاه کنید به تاریخ هردوت که در این بخش هماهنگی هایی با رویدادنامه نبونید-کوروش دارد) اما کیخسرو برای کین ستانی سیاوش که ناجوانمردانه توسط افراسیاب به قتل رسیده بود در مقابل افراسیاب، پدر بزرگ مادری اش قرار می گیرد.

- کیخسرو پس از جنگ های پی در پی، تورانیان را از ایران می راند و دست آنها را به کلی از ایران کوتاه می سازد. بر اساس کوروش نامه گزنفون، کوروش دشمنانی که قصد حمله داشتند را عقب می راند و دست آنان را کوتاه می سازد.

- مرگ کوروش شباهت به مرگ کیخسرو دارد و حتی اندرزه های قبل از مرگ کوروش در کوروش نامه گزنفون شباهت عجیبی به اندرز های کیخسرو در شاهنامه دارد.

با سپاس از تاریخ ده هزار ساله ایران، جلد نخست، استاد عبدالعظیم رضایی

شباهت داستان کودکی کیخسرو با کوروش



باز هم کوروش و کیخسرو در روایت های مربوط به کودکی با هم شباهت دارند. افراسیاب به سبب پیشگویی هایی که درباره کیخسرو کرده اند، از او بیمناک می شود، همانگونه که آستیاک به سبب پیش گویی ها بیمناک می شود.

در شاهنامه درباره کیخسرو اینچنین گفته می شود:

چند ماه پس از کشته شدن سیاوش در توران به فرمان افراسیاب، فرنگیس، زن سیاوش و دختر افراسیاب، فرزندی می زاید به نام کیخسرو. افراسیاب به علت پیشگویی هایی که درباره کیخسرو کرده اند، از او بیمناک است، ولی سرانجام از کشتن کودک چشم می پوشد، بدین شرط که پیران او را به شبانان سپارد تا در میان آنان بزرگ شود تا مگر از نژاد خود چیزی نداند. (لازم به ذکر است که افراسیاب پیش از این خوابی دیده بود که باعث هراسش از آینده

شده بود) چون کودک به هفت سالگی می‌رسد، پیران او را به نزد افراسیاب می‌آورد و کیخسرو به سفارش پیران خود را در حضور افراسیاب به دیوانگی می‌زند و بدین ترتیب از مرگ می‌رهد.

خلاصه دکتر جلال خالقی مطلق از شاهنامه، مجله ایران‌شناسی

پیش از این هم به قسمتی از داستان هردوت اشاره کردیم و در اینجا تکرار میکنیم اما ادامه داستان را که شباهت نسبی با کیخسرو دارد هم بیان می‌کنیم:

بنا به گفته تاریخ(تواریخ) هردوت، آستیاک دختری به نام ماندانا داشت و شبی در خواب دید که از زهدان دخترش تاکی روییده و به سراسر آسیا سایه افکنده است. آستیاک قبل از این هم خواب دیده بود که پیشاب دخترش به سیلی تبدیل شده که پایتخت او و سپس سراسر آسیا را فرا گرفته است. پس از آنکه تعبیر خواب را از خواب گزاران پرسید قصد داشت نوزاد ماندانا که همان کوروش بود را از بین ببرد.

آستیاک به یکی از نزدیکان خود به نام هارپاگ که در کشور ماد مردی صاحب قدرت است، فرمان می‌دهد که کودک را با خود برده و سر به نیست کند. هارپاگ خود بدین کار دست نمی‌زند و این وظیفه را به یکی از سر شبانان پادشاه به نام میتراداد واگذار می‌کند. اما چون میتراداد کودک را به چراگاه خود می‌برد، زن سرشبان او را از کشتن کودک باز می‌دارد و کودک را به جای کودک خود که تازگی مرده به جهان آمده بود می‌پذیرد. سپس‌تر چون کوروش به ده سالگی می‌رسد، روزی هنگام بازی با کودکان کوی، در اثر رفتار کوروش بر راز نژاد او پی می‌برند. ولی کوروش را بدین بهانه که چون هنگام بازی در کوچه خود را پادشاه نامیده بود و با این کار به نظر مغان خواب آستیاک تعبیر شده و دیگر خطری از سوی کوروش پادشاهی او را تهدید نمی‌کند، به پیش پدر و مادرش به پارس می‌فرستد. (خلاصه دکتر جلال خالقی مطلق)

تاریخ (تواریخ) هردوت، کتاب ۱، بندهای ۱۰۷ و ۱۲۰

پخش کردن ولایت ها قبل از مرگ

گفته کتزیاس ((خلاصه فوتیوس از تاریخ کتزیاس، کتاب ۸، بندهای ۲۰۱)) و گزنفون با چگونگی پخش کردن ولایات بین جانشینان با گفته شاهنامه فردوسی درباره کیخسرو هماهنگی نسبی دارد.

بر اساس کوروش نامه گزنفون، کوروش، فرمانروایی را به فرزند بزرگش کمبوجیه(کامبوزیا) می‌دهد اما به دیگر فرزندان شهربانی ماد، ارمنیه و کادوسته را می‌دهد.

کوروش نامه گزنفون، دفتر ۸، بخش ۷، بند ۱۱

کتزیاس می‌گوید، کوروش، پسر بزرگ خود یعنی کمبوجیه را به عنوان جانشین خود برگزید و پسر کوچک را ساتراپ(حاکم) باکتریان(بلخ) و خوارزم و پارت و کرمانیان کرد. بخش هایی را هم به اشخاص دیگر سپرد.

خلاصه فوتیوس از تاریخ کتزیاس، دفتر ۸، بخش ۷، بندهای ۲۰۱

بر اساس شاهنامه نیز کیخسرو تنها به گزینش لهراسپ به جانشینی خود بسنده نمی‌کند، بلکه فرمانروایی بخشهایی از کشورش را نیز به پهلوانان واگذار می‌نماید.

مجله ایران‌شناسی، دکتر جلال خالقی مطلق

برای دیدن ادامه نوشتار به روی لینک زیر کلیک کنید

اینجا

بن مایه ها :

فردوسی شاهنامه.

بیرونی. مترجم: اکبر داناسرشت. ترجمه آثارالباقیه عن القرون الخالیه. تهران: کتابخانه خیام به شرکت مترجم. چاپخانه شرکت طبع کتاب، ۱۳۲۱

گزنفون. مترجم: ابوالحسن تهامی. بر اساس ترجمه انگلیسی (Henry Graham Dakyns). زندگی کوروش (کوروش نامه Cyropedia). چاپ دوم. تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۹

گزنفون(سنفون). مترجم: خشایار رخسانی. زندگی نامه کوروش بزرگ (کوروش نامه Cyropedia). انجمن پژوهشی ایران‌شهر

هرودوت. مترجم: مرتضی ثاقب فر. تاریخ هرودوت. چاپ نخست. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۹

فوتیوس. مترجم: کامیاب خلیلی. خلاصه تاریخ کتزیاس از کوروش تا اردشیر(معروف به خلاصه فوتیوس). چاپ نخست. تهران: انتشارات کارنگ، ۱۳۸۰

یاری نامه ها :

عبدالعظیم رضایی. تاریخ ده هزار ساله ایران. چاپ پانزدهم. انتشارات اقبال، ۱۳۸۲

فریدون جنیدی. زروان. چاپ نخست. تهران: نشر بلخ، ۱۳۵۸.

جلال خالقی مطلق. مجله ایران‌شناسی. سال هفتم، بهار ۱۳۷۴، شماره ۱

جواد کهلان مفرد، تارنمای تاریخ ما، ۱۳ شهریور ۱۳۹۰

علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، واژه ضحاک

بن مایه های فرتور ها(تصاویر):

تونی آلن، چارلز فیلیپس، مایکل کریگان. مشاور: دکتر وستا سرخوش کریتس. مترجمان: زهره هدایتی، رامین کریمیان. سرور دانای آسمان. چاپ نخست. تهران: نشر نی، ۱۳۸۴. ISBN 964-312-796-6.

نسخه تبلیغاتی مستند در جستجوی کوروش بزرگ، Spenta Productins

برگرفته شده از پردیس اهورا

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «کوروش بزرگ در شاهنامه»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<http://parsiandej.ir/articles/1243/pdf/کوروش-بزرگ-در-شاهنامه>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵